

نقش آثار روحی و روانی اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی

زهرا قلیچ‌خانی^۱

علی یوسفی‌هنومرور^۲

راضیه علی‌اکبری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

چکیده

اعتقاد به امامت و مهدویت، از باورهای اصولی شیعه است. این آموزه می‌تواند سبک زندگی شیعیان را جهت دهد و اثری کاربردی در زندگی انسان داشته باشد، چرا که هر مکتبی، با توجه به مبانی اعتقادی خود، از تربیت انسان، هدف خاصی را دنبال می‌کند. از طرفی نوع نگرش اعتقادی به مسئله مهدویت، نقش شایانی در ابعاد تربیتی زندگی انسان‌ها دارد. امروزه مسائل مختلف روحی-روانی، در جامعه شیعیان وجود دارد. از این رو در میان تمام آثار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بررسی اثر روحی و روانی اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی، به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار کاربردی این آموزه، ضرورت می‌یابد. مقاله حاضر با هدف اثبات اثربخشی مهدویت‌باوری را در اصلاح رفتارهای فردی، به روش توصیفی و تحلیلی دنبال می‌کند. لذا امیدبخشی به مؤمنان، ایجاد روحیه استقامت و صبوری، خودسازی، معناداری زندگی، هویت‌بخشی و خودباوری از کاربردی‌ترین آثار باور این آموزه و اصلاح رفتارهای فردی است.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، اثر تربیتی، امید، خودسازی.

مقدمه

باور به ظهور مصلح جهانی در طول تاریخ حیات بشر، ریشه‌ای عمیق دارد و مختص اسلام

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
(sahebzaman20@chmail.com).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی (aliusofi1372@gmail.com).

۳. دکتری کلام اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی (aliakbari.qom@gmail.com).

نیست. چنان‌که کم و بیش تمامی ادیان و حیانی، صرف‌نظر از اختلاف‌هایی که در ویژگی‌های آن منجی موعود دارند، ظهورش را نوید داده‌اند. یکی از مفاهیم کلیدی مقاله حاضر، «مهدویت» است. این واژه، از ریشه «هَدَى» گرفته شده و مصدر جعلی مهدی (اسم مفعول) به معنای شخص راهنمایی شده به دست خداست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۳۵۴).

در روایات اسلامی، مراد از مهدی به صورت مطلق، همان موعود خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در دوره‌ای که دنیا را ستم فراگرفته ظهور و عدل و داد برپا خواهد کرد. بنابر آموزه‌های شیعه، او امام دوازدهم است که اکنون در غیبت به سر می‌برد (صدر، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۱۳۵). از وجوه اهمیت این مسئله برای ادیان، آثار فراوانی است که اعتقاد به مهدویت در زندگی فردی، اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و... انسان به دنبال دارد. از این رو در مقاله حاضر، افزون بر بررسی آثار روحی و روانی‌ای که اعتقاد به مهدویت در پی دارد، سعی شده تا نقش این آثار در اصلاح رفتارهای فردی بیان گردد. بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است: آثار روحی و روانی اعتقاد به مهدویت چه نقشی در اصلاح رفتارهای فردی دارد؟ از جمله این آثار، می‌توان به نگاه امیدوارانه و نشاط در زندگی، صبر، خودسازی، معناداری زندگی، هویت‌بخشی و خودباوری اشاره کرد.

در اهمیت انتخاب این موضوع، همین بس که هر شیعی به عنوان یک منتظر باید بکوشد تا زمینه را برای ظهور فراهم کند. در همین راستا، اصلاح رفتارهای فردی امری قابل توجه خواهد بود. رفتار هر شخص، تأثیر گرفته از اعتقادات اوست. در واقع رفتار صحیح در گرو اعتقاد راسخ است. اعتقاد به مهدویت که از ارکان اعتقادی شیعه است، آثار روحی و روانی‌ای به دنبال دارد که می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح رفتارهای فردی شود.

در زمینه «اعتقاد به مهدویت و آثار آن» منابعی وجود دارد از جمله کتاب *گفتمان مهدویت* که مقالاتی با عناوین «رابطه انتظار و بهداشت روان»، «انتظار و آثار تربیتی بر مکلفین در عصر غیبت»، «زمینه‌ها و پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی انتظار» را در بر دارد. در کتاب *امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام موجود موعود* نوشته علامه جوادی آملی در فصل چهارم به آثار فردی و اجتماعی انتظار از جمله امید به آینده، آمادگی برای ظهور، شکوفاسازی اندیشه‌ها و... اشاره شده است. کتاب *نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور به قلم رضا نوروزی* به بررسی باورهای زمینه‌ساز برای اخلاقی شدن منتظران و تبیین نقش آنها در رسیدن به فضایل و دوری از رذایل پرداخته است. پایان‌نامه «مهدویت و آثار تربیتی آن در ادعیه و زیارات

معصومان» نوشته جواد اسحاقی دُرچه آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت را در ادعیه و زیارات بررسی کرده است. مقاله «آثار انتظار در زندگی فردی و اجتماعی» نوشته ابراهیم عباسی حسینی از آثار فردی و اجتماعی سخن رانده است. مقاله «عرصه‌های تأثیرگذار بر اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه آیات و روایات» به قلم سپیده معماری آثار اعتقاد به مهدویت بر فرد را از نگاه آیات و روایات در نظر داشته است. با وجود این منابع، پژوهشی که نقش این آثار را در اصلاح رفتارهای فردی دنبال کند، صورت نگرفته است. بدین ترتیب وجه تمایز نوشتار حاضر از سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، این است که ضمن بیان آثار روحی و روانی‌ای که اعتقاد به مهدویت در پی دارد، به بررسی نقش این آثار در اصلاح رفتارهای فردی می‌پردازد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا آثار روحی و روانی اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی مؤثر است یا خیر؟ آنچه به نظر می‌رسد این است که آثار روحی - روانی ناشی از اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد.

در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پرمی‌سازد و انسان‌های در بند را رهایی می‌بخشد، معرفی نشده است؛ بلکه در جایگاه تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا» بر روی زمین است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال انسان‌ها است. بنابراین نقش او در زندگی فردی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود؛ بلکه وجود او در لحظه لحظه زندگی انسان نقش دارد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷ش: ۵۵).

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

بهترین کارهای امت من انتظارگشایش از سوی خداست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۸۲).

طبق این فرمایش نبی مکرم اسلام، انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه نه تنها موجب سستی و تنبلی در اصلاح رفتارهای فردی نمی‌شود و انسان را از تکاپو باز نمی‌دارد؛ بلکه روح اصلاح‌گری و اصلاح‌پذیری را میان باورمندان به ظهور آن حضرت می‌دم. زیرا اندیشه مهدویت مبتنی بر مبانی کلامی متقنی است که براساس آن مبانی می‌تواند ارزش‌هایی را به وجود آورد و به تبع آن، هنجارها، رفتارها و کنش‌هایی را ایجاد کند که در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی مؤثر باشد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷ش: ۵).

از ویژگی‌های بارز منتظر، الگوپذیری و پیروی از منتظر و حرکت در مسیر او است. وقتی امام

مهدی علیه السلام نمونه انسان کامل و واجد تمامی کمالات رفتاری است، معتقد و منتظر ایشان نیز تلاش می‌کند اعمال و رفتار خود را به ایشان شبیه کند، و در همین راستا به اصلاح رفتارهای خود پردازد. از آن جایی که امام محبوب فرد منتظر است این حبّ انگیزه‌ای می‌شود برای این‌که منتظر ایشان درصدد اصلاح رفتار خود باشد، رفتاری که موجبات رضایت آن حضرت را به وجود آورد. امام مهدی علیه السلام جامع تمام محاسن اخلاقی و عقلی و حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی است. اعتقاد به وجود ایشان و باور به این‌که امام لطف است. و تصرفات و اوامر و نواهی ایشان مقرب به طاعت و مبعذ از معصیت است. زمینه‌ای برای تحقق کمالات انسانی به شمار می‌رود (نک: کارگر، ۱۳۸۴ش: ۷).

با توجه به این‌که مهم‌ترین فایده وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه فیض بودن ایشان است، می‌توان گفت وساطت در فیض مستلزم این است که نه تنها اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی تأثیر دارد بلکه خود حضرت نیز به معتقدان این آموزه که می‌خواهند کردار شایسته‌ای داشته باشند، عنایت خاصی دارند و آنها را مشمول دعای خیر و الطاف خود قرار می‌دهند (علوی عاملی، ۱۳۵۴ش: ۴۳۰).

شاهد بر این ادعا ویژگی‌های اخلاقی کسانی است که توفیق دیدار آن حضرت را داشته‌اند؛ چرا که دیدار، تنها نصیب آنان می‌شود که به دانش و تقوا مزین بوده و در پرتو آن، حجاب‌ها را کنار زده و توفیق تشرف یافته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۷ش: ۴۷۵).

مقام امامت فارق از ارشاد و هدایت ظاهری، نوعی هدایت و جذب معنوی است. امام با نورانیت و بصیرتی که خداوند متعال به او عطا نموده، در دل‌های شایسته و آماده تصرف می‌کند و آنها را به سوی کمال رهنمون می‌شود (اوسطی، ۱۳۸۶ش: ۱۴۰).

آثار روحی و روانی اعتقاد به مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی

در این قسمت به بیان نقش آثار روحی و روانی مهدویت در اصلاح رفتارهای فردی می‌پردازیم.

۱. نشاط

قرآن کریم در آیاتی از جمله آیه «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۹) برای زنده نگه داشتن روحیه امید در قلب‌ها، همواره به انسان وعده می‌دهد.

امید، حالت حاکم بر تمام فعالیت‌های ذهنی و روحی و رفتاری شخص منتظر است. منشأ امید یا توهم است یا واقعیت. امید واهی، بیشتر شامل نوعی ایده‌آل‌های گم‌شده است که انسان با تصور آنها در ذهن خویش، به نوعی آرامش خاطر دست می‌یابد و در صورت تداوم و تقویت آنها، خود به خود زمینه جدا شدن از مسائل و رویدادهای واقعی زندگی و در نتیجه احساس بیگانگی با واقعیات، برای شخص فراهم می‌شود و در کوتاه مدت به شخص، آرامش و امنیت می‌بخشد ولی در دراز مدت، موجب ناسازگاری با اطرافیان و دنیای خارج می‌گردد. در مقابل چنین امیدی، امید واقعی است که پایه‌ای استوار و ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و ارزش‌های مبتنی بر روحی الهی دارد (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۲).

مفهوم امیدواری دو ساحت ذهنی و عینی دارد. منظور از امیدواری در حیطه ذهن، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه‌ها و عادات مثبت است که شخص امیدوار در حیطه ذهن خود از آن برخوردار است و منظور از امیدواری عینی، مجموعه اعمال، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌هایی است که شخص امیدوار به گونه مثبت، جهت‌دار و فعال در موقعیت‌های گوناگون از خود نشان می‌دهد (نک: عبدی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱).

با این توضیح آنچه به انسان، انگیزه زندگی و تلاش و خدمت می‌دهد، امید است. آنان که به آینده بشریت و جهان امیدوارند، روحیه قوی و مثبتی دارند و سختی‌ها را با امید رسیدن به نجات و رهایی از ظلم تحمل می‌کنند. چنین افرادی در رویارویی با هر مشکلی اعم از اقتصادی، اجتماعی و...، شتابزده برخورد نمی‌نمایند؛ بلکه با درایت و تدبیر رفتاری از خود نشان می‌دهند که از نظر عقلی و شرعی رفتاری پسندیده شمرده می‌شود. اساساً این‌گونه افراد صفت صبر را در خود ایجاد و از بی‌قراری خودداری می‌ورزند (عزیزی، ۱۳۸۷: ۵۶).

یکی از مصادیق امید واقعی، انتظار است که در مکتب شیعه، نوعی امید به آینده به شمار می‌رود و می‌تواند تحولی عمیق در افراد ایجاد کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له تجلی همه آرمان‌های محقق نشده شیعیان در طول قرون گذشته تا کنون است. پیامبر فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند، خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که نامش با نام من و نام پدرش با نام پدر من مطابق باشد و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم پر شده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۲).

با تکیه بر این مبانی، نه تنها پوچی در میان پیروان مکتب انتظار جایی ندارد بلکه فرد منتظر سعی می‌کند با تغییر و اصلاح رفتارهای نامطلوب در مسیر نهادینه کردن رفتارهای

اخلاقی گام بردارد؛ چرا که اگر کسی قصد نقش‌آفرینی در حکومت جهانی حضرت را داشته باشد، رفتارهای خود را با مهدویت همسو، می‌کند (حاتمی، ۱۳۸۵: ش: ۸).

یکی از ویژگی‌های نسل منتظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده جهان است. اگر انسان خود را در شرایطی ببیند و تصور کند که منتظر عدل‌گستر جهان است، برای برپایی آن اهداف تلاش می‌نماید؛ اما اگر باور داشته باشد جهان آینده، به دست ناهلان اداره خواهد شد، احساس ناامیدی و خطر در او راه می‌یابد (کیانی، ۱۳۸۸: ش: ۸۵).

فردی که به معنای واقعی، معتقد به مهدویت و در انتظار فرج باشد، قطعاً از آثار آن بهره‌مند خواهد بود و این آثار در رفتار او بروز خواهد کرد. البته چنین آثاری تنها در زمانی محقق می‌شود که انسان، به انتظار تظاهر نکند یا فقط از انتظار سخن نگوید؛ بلکه باید انتظار در زندگی‌اش نهادینه شده باشد. شخص منتظر به خوبی می‌داند که صرف اعتقاد، به تنهایی کافی نیست و این اعتقاد باید با رفتار همراه شود تا سود بخشد. از آن‌جا که رفتار آدمی، از اندیشه‌ها، باورها و نوع نگاه او اثر می‌پذیرد، بدیهی است اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج نیز در اصلاح رفتارهای فردی نقش به‌سزایی خواهد داشت (داشته باشد). انسانی که امیدوار است و امیدواری در او از باور به هدفدار بودن و حکیمانه بودن نظام آفرینش و ظهور موعودی سرچشمه می‌گیرد که وضعیت ناهنجار کنونی را به آرمانی‌ترین شکل ممکن، دگرگون خواهد کرد، به زندگی‌نگاهی خوشبینانه دارد. انسان امیدوار ممکن است به وضع موجود راضی نباشد، اما امید خود را برای اصلاح امور از دست نمی‌دهد. بنابراین، امید با توجه به این‌که در نوع نگاه و نظام باورها و اندیشه آدمی ریشه دارد، رابطه تنگاتنگ و مستقیم با رفتار و نحوه مناسبات انسانی و اجتماعی انسان دارد.

اعتقاد به ظهور منجی علاوه بر زنده نگه داشتن روحیه نشاط، در پرتو ایجاد تلاش و پشتکار در انسان، روابط و رفتارهای انسان را مطابق با جهانی تنظیم می‌کند که موعود، آن را ایجاد خواهد کرد. بر همین اساس آن‌که منتظر راستین است، هم صالح است هم مصلح؛ چرا که می‌داند دیر یا زود، صالحان حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش باز خواهد گشت (انبیاء: ۱۰۵) از این رو برای رسیدن به چنین جامعه‌ای خویشتن را اصلاح خواهد کرد (محققیان، ۱۳۹۱: ش: ۱۳).

باور مهدویت روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن را در انسان زنده می‌کند و به انسان امید می‌بخشد. این امیدواری ممکن است در بُعد ذهنی یعنی مجموعه تفکرات، تمایلات،

انگیزه‌ها، عادات، خوی‌های مثبت و در بُعد عینی یعنی مجموعه اعمال، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها باشد (عبدی پور، ۱۳۸۱ ش: ۱۸).

انتظار فرج در شیعه منتظر، امید به آینده را پدید می‌آورد و همین امید، نقشی مهم در زندگی او دارد. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتَظَارَ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۰، ۹۴)؛

منتظر فرج (از جانب خدا) باشید و از رحمت و دستگیری خداوند ناامید نباشید. همانا دوست داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه خداوند عزوجل انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند.

امید به آینده و آینده‌نگری مثبت، رابطه‌ای مستقیم با انتظار دارد و آنان که ناامیدانه به آینده می‌نگرند، هیچ گامی در جهت بهبود وضعیت زندگی و سعادت خویش بر نمی‌دارند؛ اما انسان آرمان‌گرا و امیدوار، در برابر حوادث و کجروی‌ها و فشارها، سرفرو نمی‌آورد و به اصلاح و به‌سازی خویش می‌اندیشد و از هرگونه غلط‌اندیشی و بیهوده‌کاری، دوری می‌جوید و سستی و بی‌میلی و ایستایی را در خود ریشه کن می‌کند (نک: بادشتی، ۱۳۹۱ ش: ۱۰).

برخی از مهم‌ترین آثار نشاط در بهبود رفتار فردی عبارتند از:

- افزایش امید باعث ارتقاء سطح توانمندی‌های رفتاری یعنی خودنظم‌دهی، آینده‌نگری، فروتنی و بخشش می‌شود. ضمن این که خویش‌داری و عزت‌نفس را نیز بالا می‌برد (نامداری و همکاران، ۱۳۹۰ ش: ۵۶).

- شاید بتوان گفت داشتن روحیه بخشندگی از امید سرچشمه می‌گیرد، به این معنا که شخص امیدوار به آینده، در پرتو امیدش از آنچه که خدا به او امانت داده، در راه رضای او بخشش می‌کند. از این روانفاق باعث پرورش فضائل انسانی و تثبیت آن می‌شود (بقره: ۲۶۵).

طبق آیه ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ (اسراء: ۱۷) آدمی به واسطه احسان، علاوه بر پرورش روح امید، می‌تواند شخصیت و شاکله وجودی خویش را تکامل بخشد.

- از آن جا که امیدوار بودن و توانایی حفظ آن در شرایط سخت و نامیدکننده یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های بهداشت و سلامت روان است، نقش و اهمیت بخشش و گذشت در بهبود سلامت روان و نیز در حفظ و ترمیم روابط بین فردی بسیار مؤثر و مهم است، از این رو شرط لازم برای بخشش واقعی، وجود امید در انسان است (محققیان، ۱۳۹۱ ش: ۱۷). همچنین

گذشت، اساس قوام زندگی سالم انسانی و سبب ایجاد روح امید در سایه شادابی می‌گردد (آل عمران: ۱۰۳).

- یکی دیگر از اموری که از روح امید در درون فرد سرچشمه می‌گیرد، وفای به پیمان است. قرآن کریم نیز، یکی از ویژگی‌های افراد باایمان را که در پرتو امید به لقای الهی، بهشت را به ارث می‌برند، وفای به عهد می‌داند (مؤمنون: ۸). وفای به وعده، آدمی را امیدوار می‌سازد که به واسطه عمل به تعهدات خویش، شکاف‌های ایجاد شده در اثر بی‌نظمی را رفع کند. بنابراین وفای به عهد، نقشی تأثیرگذار در ایجاد و تقویت روح امید در فرد دارد (محققیان، ۱۳۹۱ش: ۱۷).

۲. بردباری

درس طمأنینه و صبوری از درس‌ها و پیام‌هایی است که می‌توان از انتظار گرفت، به گونه‌ای که فرد منتظر به شاخصه بردباری و اطمینان رسیده، آن را در خویشتن نهادینه کرده است. کسی که منتظر است، اهل صبر و تحمل می‌شود و در صورت برخورد با مانع در رسیدن به هدف، بردباری و با یاد امام زمان علیه السلام دوران سخت غیبت را سپری می‌کند. در این راستا امام صادق علیه السلام از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت به اصحاب خویش فرمود: پس از شما مردمی خواهند آمد، که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ای پیامبر ما در جنگ‌های بدر، احد و حنین بوده‌ایم و آیاتی از قرآن درباره ما نازل شده است، این چگونه خواهد بود؟ پیامبر فرمود: «شما اگر در شرایطی که آنان قرار می‌گیرند، قرار بگیرید، آن تحمل و شکیبایی را که آنان دارند، نخواهید داشت» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۶).

امام رضا علیه السلام هم می‌فرمایند:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۹)؛

چه نیکوست شکیبایی به همراه انتظار فرج... بر شما باد استقامت و شکیب‌ورزی.

طبق این روایت انتظار و صبر همنشین هم هستند. امام بعد از بیان نیکویی صبر و انتظار، به صبر سفارش فرمود. این سخن حاکی از آن است که کمال صبر با اعتقاد به فرج و انتظار آن توجیه شده است. مهدویت یک اعتقاد است و رفتار بردبارانه، کارکرد آن در زندگی است. انسان منتظر، در سایه صبر و پایداری، در برابر تمامی ناملایمات و سختی‌ها، شکیبایی می‌ورزد تا به اهداف و آرمان‌های الهی و انسانی خویش دست یابد.

۳. خودسازی

شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده و غایب دارد، خود را تنها نمی‌داند و همواره در انتظار ظهور امام غائب است. اثر روانی این طرز فکر در زنده نگه داشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای انقلاب جهانی او، به خوبی قابل درک است (علی‌نوری، ۱۳۷۹ ش: ۹۹).

فرد مهدی باور در دوران غیبت با تهذیب نفس و جهت دادن به غرایز در جهت رشد خود می‌کوشد روح و جسمش را برای خدمتگزاری در حکومت قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام آماده کند و در همین راستا به اصلاح رفتارهایش نیز می‌پردازد؛ چرا که تقوا در خودسازی تاثیر به‌سزایی دارد. از طرفی تا رفتارهای فردی اصلاح نشود، جامعه هم اصلاح نمی‌شود و در نتیجه ظهور نیز تحقق نمی‌یابد. هر اندازه جهت فرد و جامعه به سوی اصلاحات باشد، زمینه‌سازی بیشتری برای ظهور صورت می‌گیرد. بنابراین باور مهدویت، خودسازی و اصلاح رفتار همانند سه ضلع مثلث‌اند که در یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

روشن است که انسان گنهکار و محروم از عنایت باری تعالی، نمی‌تواند راهی به سعادت ابدی داشته باشد. مدعی انتظار فرج امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام برای حرکت در مسیر سعادت بر خود لازم می‌داند که به خودسازی بپردازد و افکار و رفتار خویش را پالایش دهد. بنابراین، از وظایف مهم تربیتی شیعه در زمان غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، توجه به تزکیه نفس و پرورش بعد اخلاقی و رفتاری خویش است (نک: هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷ ش: ۲۰۹)؛ زیرا به فرموده خدای سبحان، تنها صالحان و پارسایان راهی به اردوگاه یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهند داشت؛ چه این‌که او اصحاب آن حضرت را «عبادی الصالحون» می‌خواند (انبیاء: ۱۰۵)؛ آنان بندگان صالح من هستند. عبودیت و شایستگی حاصل نمی‌شود، مگر با تزکیه نفس و خودسازی.

این اندیشه سبب می‌گردد همه معتقدان به آن حضرت در یک مراقبت دائمی فرو روند و هنگام ورود در هر کاری توجه به آن نظارت عالی داشته باشند. اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست. حکومت جهانی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قبل از هر چیز به عناصر آماده و با ارزش انسانی نیاز دارد تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشد. این مهم در گام نخست، به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم نیازمند است. تنگ نظری‌ها، کوتاه بینی‌ها، کج فکری‌ها، حسادت‌ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه، و به‌طور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت

منتظران واقعی سازگار نیست. نکته مهم این جاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ بلکه باید تلاش کند با اصلاح رفتارهای خود، هم در دوران غیبت و هم در عصر ظهور مؤثر باشد. شخص فاسد و فاسق چگونه می‌تواند در انتظار فردی باشد که هدفش ایجاد نظام و ساختاری است که در آن هیچ‌گونه نادرستی و گناه وجود ندارد؟ قطعاً چنین انتظاری، انتظار موعود نیست. لازمه انتظار مصلح جهانی، تزکیه روح و فکر و رفتار است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱۰۱).

ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمی‌دهد که در صف مخالفان باشد. قرار گرفتن در صف موافقان نیز به اعمالی پاک و روحی پاک‌تر، شهامت و آگاهی کافی نیازمند است، بنابراین خودسازی و تهذیب نفس برای فرد منتظر امری ضروری به نظر می‌رسد. علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه در زمینه ضرورت خودسازی می‌فرماید:

اگر کسی بخواهد رستگار شود، باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورش صالح بیرواند و رشد دهد، با تقوا بیاراید و از زشتی‌ها پاک کند، وگرنه از سعادت و رستگاری محروم ماند. هر قدر بیشتر آلوده‌اش کند، کمتر بیاراید، محرومیتش بیشتر شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ج ۲، ۲۹۶).

معتقد به مهدویت و منتظر فرج، باطنش را از آلودگی‌ها پالایش و از عوامل تضعیف در انتظار پیرایش، می‌کند. چنین فردی نه تنها در حق خود و دیگران ظلم روا نمی‌دارد؛ بلکه جان و دلش را از زنگار گناه و ناپاکی‌ها پاک می‌گرداند و حب امامش را به جای آن می‌نشانند. امام صادق علیه السلام فرمود:

من سَرَّانٌ یكون من أصحابِ القائمِ فلیتَظَرَّ و لیعملَ بالورعِ و محاسنِ الأخلاقِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۱۴۰)؛
هرکس دوست دارد که از یاران حضرت قائم شود، باید که منتظر باشد و به پرهیزکاری و اخلاق نیکو مشغول شود.

شخص معتقد به مهدویت به خوبی می‌داند که لازمه نقش آفرینی در حکومت مهدوی، اصلاح روح و روان از آلودگی‌های فکری و رفتاری است. از سوی دیگر، چون زمان ظهور نامعلوم است و او هم مشتاق همنشینی با کامل‌ترین تجلی ذات باری تعالی است، باید همیشه آماده باشد تا این‌که مبادا او ظهور کند و این منتظر مشتاق شرایط همراهی را نداشته باشد. از این رو، منتظر واقعی در تمام ابعاد فکری و اخلاقی و رفتاری و نفسانی و ... خود را برای هم‌ترازی در

سطح سربازی برای آن حضرت می‌کند. زیرا خود می‌داند که با وجود آلودگی، سخن از انتظار و امید همراهی داشتن با آن حضرت، سخن گزافی است. از آن جایی که عبد صالح می‌تواند منتظر عبد صالح خداوند باشد، شخص منتظر در جهت شبیه‌سازی خود به آن حضرت و همانندسازی در اعمال و رفتار گام برمی‌دارد. چنین شخصی نمی‌تواند هر رفتاری از خود نشان دهد و خود را منتظر بداند. منتظر بودن او را ملزم می‌سازد ظاهر و باطن و فضای زندگی خویش را طوری تنظیم نماید که آن امام منتظر می‌پسندد.

همان‌گونه که هر منتظری می‌کوشد تا زمینه را برای بازگشت منتظر مهیا کند، منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه نیز در تکاپو است تا رفتارش را به گونه‌ای اصلاح کند که به ورع و اخلاق نیک مجهز شود. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيُنْتَظِرْ
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ (همان).

پیوستن به جرگه یاران امام مهدی علیه السلام حاصل نمی‌شود مگر با قطع تعلقات به مادیات و زیر پا نهادن هواهای نفسانی و تعهد به ارزش‌های دینی، چراکه وابستگی به دنیا آدمی را زمین‌گیر می‌کند و توان عبور از لذت‌های مادی را از انسان سلب می‌نماید. قرآن کریم درباره دلبستگی به دنیا می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ﴾ (اعراف: ۱۷۶). منظور این است که هر فرد روحیه عبور از مادیات و پشت سر نهادن آنها را به گونه‌ای داشته باشد که هر لحظه منادی ندا دهد: «هذا امامکم فاتبعوه» بی‌درنگ حرکت کند (نک: احسانی، ۱۳۹۰: ۲۲).

اعتقاد به «انتظار» انسان را در مسیر تربیت و تزکیه نفس و خودسازی به طور جدی متعهد می‌سازد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هرکس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسانی است که او را درک کنند و به حضور او برسند. پس (در دینداری و تخلُّق به اخلاق اسلامی) بکوشید، بکوشید و در حال انتظار به سر برید. این (کردار پاک و افکار تابناک) گوارا باد بر شما، ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۰).

در این روایت قرار گرفتن در صف یاران حضرت به اخلاق حسنه مشروط است. بنابراین می‌توان گفت اعتقاد به مهدویت در اخلاق و کردار فرد معتقد تأثیرگذار است و می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح رفتارهای وی شود.

۴. معنا بخشیدن به زندگی

معناداری زندگی یکی از مباحث مهم دنیای جدید است. انسان طبیعت را مسخر خویش کرده و به کرات آسمانی راه یافته، اما نمی‌تواند معنای زندگی را در عالم ماده کشف کند. از این رو، خود را نیازمند حقیقتی غیرمادی و ماورای عالم ماده می‌بیند. حقیقتی که به زندگی اش معنا بخشد. معناداری، داشتن هدفی نهایی و عالی و ارزشمند در زندگی است که امید رسیدن به آن، سبب ایجاد فداکاری، تکاپو و تلاش در زندگی می‌شود. هر انسانی زندگی محدودی دارد و بطور ناخودآگاه در پی معنادار کردن زندگی خویش است. مکتب‌ها و عقاید و ایده‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف نیز در پی تلاش برای بهتر کردن زندگی انسان و در حقیقت معنادار کردن زندگی انسان هستند (بداشتی، ۱۳۹۱ش: ۱۳).

بشر امروزی را فضای بدبینی به آینده، بی‌معنایی زندگی، اندیشه‌های پوچ‌گرایی و تفکر نیهیلیستی درنوردیده است و انسان معاصر در سرگردانی بین سنت گذشتگان و بحران‌ها و نابه‌سامانی‌های عصر مدرن بازمانده است (محمدی منفرد، ۱۳۸۷ش: ۹).

اگر انتظار موعود را انتظاری به معنای راستین بدانیم، بین آن و اصول و اخلاقیات فردی و به‌ویژه معنا بخشی به زندگی انسان‌ها، ارتباطی عمیق و ژرف خواهیم یافت که می‌تواند در ابعاد مختلف فردی تأثیرگذار باشد. تأثیرات و تغییرات شگرفی که انتظار موعود اسلام در شخصیت مسلمانان ایجاد می‌کند و ویژگی‌ها و صفاتی که در آنها شکوفا می‌سازد، در دیگر مکاتب، کمتر به چشم می‌خورد (نک: بداشتی، ۱۳۹۱ش: ۱۵).

با مطالعه تاریخ درمی‌یابیم که اعتقاد به منجی، همواره معنا بخش، بلکه حیات بخش زندگی فردی و اجتماعی قائلان به این باور بوده است. اگر زندگی معنادار، غایت‌مند و هدف‌دار است و معنای زندگی در امید داشتن برای دست‌یابی به هدف نهایی آن است و اگر انتظار هم به معنای داشتن هدف و امیدوار بودن برای رسیدن به هدف است، پس انتظار به زندگی انسان منتظر معنا می‌دهد و می‌توان گفت که انسان موجودی منتظر است و هر کس انسان‌تر است، منتظرتر است. زندگی انسانی که هیچ انتظاری در وجودش نیست، سرد، بی‌روح و بی‌معنا است؛ موعودگرایی نهایی برای حرکت جوامع ترسیم می‌کند و این نهاییت در باور شیعه، تجلی والاترین و برترین نمونه عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی و خردورزی است. اندیشه مهدویت می‌تواند به انسان پیام‌ورز برای رسیدن به جامعه آرمانی به محوریت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه همواره باید به این کانون فکر کرد و فعالیت‌های خود را بدان سو معطوف ساخت (عبدی پور، ۱۳۸۱ش: ۱۹).

۵. هویت بخشی و خودباوری

«هویت» به معنای «همانی و تداوم» است. به عبارتی، پایداری و تداوم در حین دگرگونی و وحدت در عین کثرت است. هویت، بیانگر چه کسی بودن است که از نیاز بشر به شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک، از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت به شمار می‌روند (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۷ش: ۶۵).

اهمیت اصلی و کلیدی اعتقاد به مهدویت، در هویت بخشی به فرد و جامعه است. فرد و جامعه‌ای که آینده را باور دارد و بر آن است که عصری دیگر فرا خواهد رسید که متفاوت از وضع موجود و به دور از نقص‌هاست. از دیدگاه دانش روان‌شناسی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل مشکلات روانی آدمی، از خودبیگانگی است و خودباوری بهترین شیوه درمان آن به شمار می‌رود. اعتقاد به مهدویت، به عنوان تنها راه ارتباطی با حجت و نشانه خدا بر روی زمین و نقطه اتکای آدمی به منبعی لایزال و نامتناهی، نقشی مهم در ایجاد خودباوری و رفع از خودبیگانگی ایفا می‌کند و در نتیجه، به انسان آرامشی عمیق و لطیف می‌بخشد که شاید کمتر بتوان چنین آرامشی را به روش‌های دیگر کسب کرد (عمادی، ۱۳۸۸ش: ۱۷).

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت، انگیزه‌ای برای پویایی شیعه در طول تاریخ است. مهدویت به عنوان یک اعتقاد راسخ و دارای پشتوانه عمیق فکری و تعبدی در انسان معتقد به این باور، تأثیری خاص دارد. این تأثیرگذاری به گونه‌ای است که موجب متمایز شدن شخص منتظر از دیگر افراد شده و مردم هم این آثار را در وجود او ناشی از اعتقاد به انتظار می‌دانند. اعتقاد به مهدویت، محتوایی اصلاحگر، تحریک‌آفرینی و تعهدآوری دارد که عالی‌ترین نوع بندگی حق تعالی و در نتیجه، برترین عمل و نیکوترین تلاش و جنبش را به نمایش می‌گذارد. در منشور تربیتی منتظر، بین میزان اعتقاد به امام زمان علیه السلام و رفتار منتظر ارتباطی مستقیم نهفته است و هرچه منتظر از معرفت کامل‌تری برخوردار باشد، رفتار کامل‌تری خواهد داشت. آثار این اعتقاد و باور در وجود شخص منتظر قابل گزارش کمی دقیق نیست و چه بسا در برخی افراد متفاوت هم باشد، ولی در یک فراوانی قابل اعتماد، برخی از برجسته‌ترین و شاخص‌ترین این نشانگان شامل امید، بردباری، خودسازی، معناداری زندگی، هویت بخشی به افراد و خودباوری می‌شود که

تمامی این موارد در اصلاح رفتارهای فردی مؤثر است. بنابراین انتظار «حجت» انتظاری است زنده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می‌شود و زندگی فردی او را متحول می‌سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت» منشأ تحولی اساسی در زندگی فرد منتظر می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، جمال‌الدین ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت: دارصادر، سوم.
۲. احسانی، محمد (۱۳۹۰ش)، «زمینه‌سازی تربیتی مهدویت»، *معرفت*، شماره ۱۶۰.
۳. اوسطی، حسین (۱۳۸۶ش)، *دوازده گفتار درباره حضرت مهدی عجل‌الله تعالی*، تهران: نشر مشعر، اول.
۴. حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، «تجلی امید در فرهنگ مهدویت»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، پیش‌شماره ۱.
۵. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷ش)، *راهنمای حقیقت*، تهران: نشر مشعر، پنجم.
۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۳۸.
۷. شفیح‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۷ش)، *میانی روان‌شناسی رشد*، تهران: انتشارات رشد.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۷ش)، *انتظار بایدها و نبایدها*، تهران: موعود عصر سنة النبوة، هفتم.
۹. صدر، سیدمحمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبه*، بیروت: دارالتعارف.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. طوسی، محمد (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۱۲. عبدی‌پور، حسن (۱۳۸۱ش)، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۵.
۱۳. عزیزی، عباس (۱۳۸۷ش)، *ثواب و آثار انتظار فرج امام زمان عجل‌الله تعالی*، تهران: صلاة، اول.
۱۴. علوی عاملی، میرسیدمهدی (۱۳۵۴ش)، *لطائف غیبیه*، قم: بنیاد محقق طباطبایی.
۱۵. علی‌نوری، علی‌رضا (۱۳۷۹ش)، *امامت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی در اعتقاد ما*، تهران: اداره

- آموزش‌های عقیدتی سیاسی، اول.
۱۶. عمادی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، «نقش روان‌شناسی در دولت زمینه‌ساز ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۱.
۱۷. کارگر، رحیم (۱۳۸۴ش)، دولت اخلاقی و دکترین مهدویت، ویژه‌نامه دکترین مهدویت ۱.
۱۸. کیانی، علی اصغر (۱۳۸۸ش)، تربیت نسل منتظر، قم: خاکریز.
۱۹. الله بداشتی، علی (۱۳۹۱ش)، «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۲۲.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. محققیان، زهرا (۱۳۹۱ش)، «امید و نقش تکاملی آن در نگاه قرآنی»، بینات، شماره ۷۳.
۲۲. محمدی منفرد، بهروز (۱۳۸۷ش)، «کلام و عرفان: معنای زندگی، نیهیلیسم و اندیشه مهدویت»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۷.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم: نسل جوان، پنجم.
۲۴. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷ش)، «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۴۵/۲.
۲۵. نامداری و همکاران، کورش (۱۳۹۰ش)، تأثیر آموزش ارتقاء امید بر توانمندی‌های رفتاری مراجعین مبتلا به افسردگی خوئی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شماره ۲.
۲۶. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۸۷ش)، ظهور حضرت مهدی علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران، چهارم.